

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پاسخ به شبهات - جناب آقای دکتر قندهاری

قسمت اول - شبهه اول:

دلیل عقیل باور شیعه به امام زمان عج چیست؟

یکی از سوالات و پرسشهایی که در فضاهای حضوری و مجازی در خصوص اعتقاد به حضرت مهدی علیه السلام که فقط مختص کشور ما هم نیست کلاً در فضای مجازی این عقیده و این سؤال مطرح است نسبت به اعتقاد حضرت مهدی علیه السلام با راسیونالیته یعنی عقل گرایی است .

جوانان امروز خیلی دغدغه عقل گرایی دارند. لذا می خواهند ببینند که آیا می توانند این عقیده را برمبنای عقل گرایی پایه ریزی کنند . یا اینکه عقیده مهدویت یک عقیده صرفاً نقلی و درون دینی است .

مثال : اعتقاد به خدا بر پایه های برهان و استدلال استوار است . یعنی از زمان یونان باستان حکما و فلاسفه دلائل مختلف در اثبات وجود خدا تا زمان حاضر اقامه کرده اند . لذا هر کس که به خدا معتقد است این اعتقاد برای او نوعی برهان و آرگومننت دارد و پایه عقلانی دارد . به همین جهت در طول تاریخ بین دو جناح معتقد به خدا و جناح آتئیست (منکر خدا) مناظراتی بوده و این مناظرات بر پایه برهان و استدلال بنا شده بوده است .

آیا عقیده مهدویت از این نوع است ؟ یا اینکه مانند اعتقاد به بهشت و جهنم ، پل صراط ، اعتقاد به جزئیات احکام شرعی که نماز دو رکعت است ، نماز مغرب سه رکعت است ، این نجس است ، آن پاک است ، آن حلال است ، آن حرام است یک عقیده صرفاً نقلی است؟ تفاوت آن در چیست ؟

تفاوت آن این است که ما در این زمینه آیا بایستی آیه و حدیث بیاوریم یا اینکه می توانیم برهان عقلی هم در این جهت اقامه کنیم . به هر صورت عقیده ما در برخورد با مهدویت ، عقیده عقلی است یا عقیده درون دینی است ؟

در مقام جواب می گوئیم گرچه عقیده مهدویت به طور خاص یعنی مهدویت اسلامی ، یک عقیده درون دینی و نقلی است ولی این اعتقاد به صورت یک عام و کل ، یعنی اگر این را به صورت اعتقاد به منجی آخرالزمان

بینیم یک عقیده است کاملاً برون دینی بر مبنای عقلانیت و پایه های راسیونالیته ، اصلاً عقیده درون دینی خاص مذهب اسلام نیست بلکه پایه های عقل گرائی و عقلانیت دارد .

در حدود شش ماه پیش پنجاه نفر از اساتید دانشگاه در ترکیه ، روی یک جهات ، رقابتهای سیاسی یک اعلامیه و متحدالمحالی صادر کردند بر ردّ عقیده مهدویت و اینکه این عقیده با عقلانیت فاصله دارد . به یک صورتی بنده در مقام نقد و بررسی آن نظریه قرار گرفتم و طی هشت جلسه به مطالبی که در آن مقاله آمده بود ، پاسخ دادم . میخواهم بگویم این مسأله یک سؤال مطرح در جامعه ما است .

در مقام جواب می گوئیم کلیت اعتقاد به منجی های عقلانی دارد و یک امری برون دینی است . اما عقیده مهدویت در اسلام یا در تشیع یک عقیده درون دینی است اما بر آن پایه های برهانی و عقلی . عقلانیت مهدویت از سه جهت قابل توجه است :

۱- اعتقاد به منجی آخرالزمان در همه ادیان و مذاهب بر پایه حسن اعتقاد به عدالت است . یعنی همه دنبال عدالت و نارسائی از این جهان هستند . و این نکته ای است که عقل عملی همه انسانها به عدالت علاقمند است . کانت فیلسوف شهیر آلمانی می توانیم بگوئیم ملاصدرای عالم غرب بعد از رنسانس است . ایشان تفکیک به عقل نظری و عقل عملی کرده است و رویکردهای اخلاقی و حسن و قبه انسان به نفی ظلم و توجه به عدالت را یک نوع عقل عملی در نظر می گیرد . این مطالب در اندیشه های ابن سینا هم هست .

عقیده مهدویت یا رویکرد منجی گرائی در همه ادیان که از آن تعبیر به رویکرد منجی گرائی می کند یک رویکرد عقل عملی است . چون انسان طبیعتاً علاقمند به عدالت و متنفر از ظلم و بیداد است .

به شخص منجی چطور ارتباط دارد ؟ گفتیم که این پایه عقیده منجی گرائی است . منجی برای چه بیاید ؟ برای اینکه عدل و داد را به پا کند .

۲- جامعه بشری در طول زمان روز به روز از حالت تفرّق و انفراد در می آید و عقل جمعی مردم دنیا احساس نیاز به این می کند که به سوی جهان وطنی حرکت کند یعنی به سوی یونیولسالیته بخواهد حرکت کند . ببینید سازمان ملل متحد ، منشور جهانی ملل متحد ، سازمان یونسکو ، اعلامیه حقوق بشر ، سازمان جهانی بهداشت و و دهها سازمان جهانی دیگر که امروزه در دنیا ایجاد شده و روز به روز هم در حال افزایش است . این روی چه جهتی است ؟

روی احساس اینکه دنیا باید یک پارچه شود . دنیا باید سامان واحدی داشته باشد . اگر بخواهد این دنیا باقی باشد و تداوم پیدا کند باید از تفرقه و از انفراد گرائی کاسته شود و حالت و روح جمعی و حاکمیت جمعی و اینکه ما دنیا را برایش یک سرنوشت کلی و جمعی قائل باشیم ، باید به این سو حرکت کنیم و این نکته ای

است که بهترین پایانش عقیده به دولت جهانی منجی آخرالزمان است. این عقلانیت دومی است که ادیان در این سو و اسلام خصوصاً در عقیده مهدویت این عقلانیت را پاسخ می دهند .

سؤال: شاید به منجی خیلی اهمیت نمی دهند می گویند دموکراسی بیشتر در سطح جهانی و جهان وطنی و بخواهند بگویند دموکراسی و یا خرد جمعی بخواهد کار کند؟

پاسخ: عقیده به دموکراسی مربوط به این دوران نیست . عقیده به دموکراسی برای قرن ششم قبل از میلاد برای یونان باستان است . این احساس جهان وطنی و اینکه این جهان را ما با هم جمع کنیم و با هم فکر کنیم و همکاری داشته باشیم برای دهه های اخیر است و این روز به روز افزایش می یابد . بحث دموکراسی مربوط به بحث قبل است که مسأله عدالت بود .

سؤال: این را در بستر حکومت دموکراسی می بینند نه در بستر یک نفر یا یک شخص؟

پاسخ: ما حکومت آن فرد یا شخص را حکومتی بر پایه عدل و داد می دانیم . یعنی بیشترین تعبیری که در روایات مهدویت در شیعه و اهل سنت تکرار شده و جزو مشترکات فرهنگ اسلامی است : این است که «يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا»

۳- سومین بعد عقل گرایی در بنیاد های فکر مهدویت گرایش همه ادیان و اعتقاد همه ادیان چه ادیان وحیانی و چه ادیان غیروحیانی ، ادیان وحیانی مثل اهل کتاب و اسلام یعنی یهود ، مسیحیت ، آئین صابئین و زرتشت (مجوس) و اسلام این پنج آئین آسمانی هستند . و آئین های غیر وحیانی مانند بودیسم ، هندوئیسم ، جینیسم ، تائو ، شینتو . تمامی اینها به منجی آخر الزمان معتقد اند . و این نقطه اشتراک در ادیان در این زمینه از مطالعات بسیار زیبا در مسائل و مطالعات فوتوریستی است .

یعنی مطالعه در آینده سرنوشت این عالم . به همین جهت به این اصل مشترک همه ادیان تعبیر به مسیانيسم یعنی اعتقاد به مسیا ، اعتقاد به منجی آخرالزمان . مسیانيسم در آئین یهود فردی است به نام ماشیح از نسل حضرت داوود . در آئین مسیحیت خود حضرت عیسی علیه السلام است که از آسمان در آخرالزمان به پائین می آید . در آئین زرتشت شخصیتی است از نسل حضرت زرتشت به نام سوشیانس که معابد زرتشتی تهران ، یک جزوه ای در بشارات به سوشیانس در مکتوبات آئین زرتشتی دارند . اسلام هم بحث مهدویت است .

در آئین های بت پرستی شرق آسیا و یا شرق دور مانند هندو شخصیت منجی در فردی به نام کالکی متبلور می شود . لذا در همه ادیان یک فرهنگ مشترکی در اعتقاد به منجی آخرالزمان وجود دارد و شما دینی ندارید که در آن این اعتقاد وجود نداشته باشد .

اگر در یک کنفرانس بین‌الادیانی باشیم ما نماینده‌های همه ادیان را به آنجا دعوت کنیم بعد گوینده بی‌توجه به این که اینها مسلمان نیستند بیاید و در نیمه شعبان درباره حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه قرآن و روایات صحبت کند نود درصد هر آنچه را گوینده ما می‌گوید مورد اعتقاد همه آنها هست یعنی عقل جمعی بشر و اعتقاد عمومی بشر است. بنابراین در اعتقاد به مهدویت ما شیعیان تنها نیستیم، اهل سنت هم هستند تفاوت جزئی است. تفاوت صغروی است نه کبروی!!! در این اعتقاد ما مسلمان‌ها تنها نیستیم. آئین‌های اهل کتاب با ما هستند. آئین‌های خاور دور با اینکه اینها آئین‌های آسمانی با ما نیستند با ما همراهند. برخی از مکاتب فلسفی در این اعتقاد با ما همراهند.

لذا افلاطون آورنده دینی نیست. آورنده نظریه یوتوپینسم (آرمان شهر) است و یک مدینه فاضله‌ای را تصویر کرده است که در آینده برای بشر رخ می‌دهد و این را به تصویر کشیده است. در بین فلاسفه ما ابونصر فارابی پدر فلسفه اسلامی کتابی تحت عنوان آراء اهل المدینه الفاضله و این عقیده به آرمان به شهر را از منظر فلسفی و مبانی عقل‌گرایی در آثار فلسفی خودش تصویر کرده است.

لذا عقیده مهدویت نه فقط دور از عقل‌گرایی و راشنالیته و عقل‌عصری انسان امروز نیست بلکه از سه چهار منظر که عرض کردیم به طور کل بر پایه عقل‌گرایی استوار است.

خلاصه عناوین :

- ۱- اعتقاد به مهدویت ریشه اش عدالت‌گرایی و لزوم اجرای عدل و عدالت در سرانجام این دنیاست.
- ۲- بشر نیازمند به زندگانی جهانی است. باید از کشورها و ملت‌ها و مرزها حذر کند و به جهان وطنی برسد. دنیا یک کشور، یک ملت، بدون مرز، یک پرچم، یک فرهنگ بخواهد دنیا را اداره کند. این رمز بقا و تداوم بشر است.
- ۳- فلاسفه بزرگ اینها قائل به یوتوپینسم یعنی آرمان شهر و مدینه فاضله و جهان وطنی هستند که مثال آن را در افلاطون گفتیم.
- ۴- همه ادیان ولو ادیان غیر وحیانی تماماً به نوعی میسپانیسم یعنی اعتقاد به منجی معتقد هستند.

التماس دعای فرج